



توسعه اقتصادی چیست؟

• دکتر محمود تقی زاده

توسعه اقتصادی یعنی استفاده درست از عوامل گوناگون اقتصادی به منظور افزایش درآمد ملی، بالابردن سطح زندگی مردم یک کشور و یا یک ناحیه که نتیجه آن بهبود رفاه عمومی است.

توسعه اقتصادی با صنعتی شدن و با افزایش تولید ملی ارتباط دارد. لذا توسعه اقتصادی به سرمایه‌گذاری‌های مالی و گسترش سیستم خدمات عمومی و مدیران دلسوز و آگاه نیاز دارد تا امکان سوق دادن جامعه به سوی فراهم نمودن مجموعه‌ای منظم از شرایط زندگی جمعی و فردی به وجود آید.

با این وصف، هدف از توسعه اقتصادی فقط افزایش میزان تولید نیست، بلکه اصطلاح توسعه اقتصادی زمانی به کار می‌رود که علاوه بر افزایش تولید ملی، تغییرات فنی و سازمانی در عوامل تولید نیز مورد نظر باشد. به عبارت دیگر، توسعه اقتصادی مرحله پیشرفته‌تری از رشد اقتصادی به شمار می‌رود و معرف دگرگونی‌های پیگیر و همه‌جانبه در ترکیب تولید و تخصیص منابع در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور است.

درباره توسعه اقتصادی وحدت نظر کامل بین دانشمندان اقتصادی وجود دارد. اشکال در تعریف آن است که عوامل مختلفی مانند سرمایه‌گذاری، نیروی انسانی، تکنولوژی، منابع طبیعی و فرهنگ و مؤسسات اجتماعی در توسعه اقتصادی مؤثر است. دانشمندان مختلف سعی می‌کنند برحسب اهمیتی که برای هر یک از این عوامل قایلند، توسعه اقتصادی را تعریف نمایند.

شومپیتر برای پیشرفت تکنولوژی اهمیتی خاص قایل است. فرانسوا دوپرو، توسعه اقتصادی را ناشی از تغییرات روحی و اجتماعی قوم یا ملتی می‌داند که در نتیجه این تغییرات روحی و اجتماعی قدرت تولید سیستم اقتصادی در یک جبهه وسیع پیوسته و مداوم افزایش می‌یابد. اگر درآمد ملی را معرف و نماینده رفاه و بهبود مادی یک جامعه فرض کنیم، توسعه اقتصادی عبارت از یک سلسله عملیاتی است که به وسیله آن درآمد ملی کشوری طی دوره نسبتاً طولانی افزایش می‌یابد. افزایش تولید معرف رشد و نمو اقتصادی است و عمده‌ترین عواملی که در توسعه اقتصادی کشوری مؤثر است عبارتند از تنوع و فراوانی منابع طبیعی و زیرزمینی، وجود منابع کافی برای تشکیل سرمایه و تمایل مردم به سرمایه‌گذاری مولد، کیفیت و کمیت نیروی انسانی، توسعه صنایع کوچک و بزرگ سازمان‌یافته و مؤسسات خدماتی سالم و مفید و بهبود سازمان‌های عمومی و خصوصی، استفاده از فنون و روش‌های جدید تولید و پیشرفت تکنولوژی، فرهنگ و مؤسسات اجتماعی کارآمد، اتخاذ و اجرای سیاست‌های اقتصادی صحیح داخلی و خارجی شفاف و ایجاد ثبات اجتماعی و سیاسی.

توسعه اقتصادی را باید امر مداومی تلقی نمود که طی مدت نسبتاً طولانی حاصل می‌شود. بدین جهت نوسانات ادوار تجاری را نباید در امر توسعه دخالت داد. گشایشی که طی دوره کوتاه رونق اقتصادی حاصل می‌گردد، توسعه نامیده نمی‌شود. آنچه توسعه به شمار می‌رود افزایش واقعی درآمد ملی در فاصله دوران‌های اقتصادی است نه تغییراتی که طی دوره معینی در شرایط اقتصادی روی می‌دهد.

همچنین اعتدالی سطح زندگی مردم یک کشور را در یک دوره و بالا رفتن سطح زندگی گروهی از مردم یک کشور را نمی‌توان معرف توسعه دانست و نمی‌توان به افزایش درآمد مطلق اکتفا کرد. توسعه اقتصادی زمانی تحقق می‌پذیرد که درآمد افراد افزایش یابد.

اگر منظور از توسعه تأمین رفاه مردم باشد، افزایش مطلق درآمد ملی و حتی ازدیاد درآمد سرانه، آسایش بیشتر طبقات مختلف اجتماع را تضمین نمی‌کند زیرا توزیع درآمد ممکن است به نحوی باشد که اغنیا را توانگرتر و فقرا را بیچاره‌تر سازد. از این رو بهبود رفاه مادی جامعه به نحوه توزیع درآمد ملی بستگی دارد. روش و چگونگی عمل تولید و نحوه توزیع، در آسایش مادی افراد اجتماع مؤثر است زیرا، چنان که افزایش تولید توأم با ازدیاد ساعت کار و تغییر شرایط کار، اختلال روابط افراد و کنترل بهداشت با شیوه و کیفیت توزیع سالم نباشد، در این صورت هزینه‌های اجتماعی تولید یعنی رنج و درد کارگران افزایش یافته و رفاه واقعی تأمین نخواهد شد.

درآمد ملی را نیز باید برحسب افزایش جمعیت تعدیل کرد تا درآمد سرانه به دست آید. گرچه افزایش درآمد سرانه در بررسی توسعه و پیشرفت اقتصادی کشور مهم است، با وجود این نمی‌توان آن را تنها معرف بهبود مادی و رفاه اجتماعی افراد دانست. در ضمن بررسی نحوه توزیع درآمد با نوع کالاها و خدمات و ترکیب تولید و چگونگی تولید و مطالعه درباره اثرات تغییرات ناشی از توسعه در روابط مردم و سازمان اجتماعی آنان نیز ضرورت دارد. چگونگی توسعه در کشورهای در حال توسعه که در مرحله انتقال سریع و ناگهانی به سر می‌برند، برخورد تمدن و آثار صنعتی شدن با تمدن سنتی، دگرگونی‌های عجیب به وجود می‌آورد و عبور از این بحران اجتماعی به نخبگان و مدیران دلسوز و واقع‌بین نیاز دارد.

بدین سبب آهنگ توسعه و نوسازی در همه جوامع یکسان نیست. زیرا آهنگ دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و روانی در آن جوامع همسان و همگون نیستند و عمده‌ترین آنها برخورد سنت و تجددگرایی است. تضادها از کنش اجتماعی محسوب می‌شوند و به ساخت سازمان اجتماعی تعلق دارند و حاصل کارکرد عادی کل نظام اجتماعی هستند. لذا پذیرش تضادها و قبول افکار و خواسته‌های آنها معمولاً اثرات پویایی بر سازمان اجتماعی دارند. برای آغاز توسعه پایدار باید به مسائل زیر توجه گردد:

شناخت آسیب‌های اجتماعی

شناخت آسیب‌ها و کاستی‌ها در عرصه تولید

شناخت نسبت میان مدیریت سیاسی و ضرورت تحول فکری و فرهنگی.

بیداری کشورهای عقب‌نگه‌داشته شده برای رهایی از عقب‌ماندگی، تغییرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، توجه بسیاری از جامعه‌شناسان را برانگیخته است. اما، در این روزها بیشتر جوامع پیشرفته هم، خود را با بحران‌های اساسی و عمیق روبرو می‌بینند. انتخاب روش‌های شناخته‌شده، مثبت تجربیات فرهنگ ملی و عقیدتی می‌تواند نتیجه‌بخش باشد.



توسعه اقتصادی مرحله

پیشرفته‌تری از رشد

اقتصادی به شمار می‌رود و

معرف دگرگونی‌های پیگیر و

همه‌جانبه در ترکیب تولید و

تخصیص منابع در بخش‌های

مختلف اقتصاد کشور است